



آشنایی با «مؤسسه شرق شناسی آلمان» در بیروت

هانس روبرت رومر

ترجمه: لیث زنگنه

غنی شرق، به کنکاش در کتب خطی شرق بسنده نکردند؛ بلکه زبانهای مختلف و لهجه‌های متفاوت و بقایای اصطلاحات آرامی شرق و غرب را که از نظر زبان شناسی، نزدیک به زبان حضرت عیسی (ع) است مورد کنکاش قرار دادند.

در حال حاضر، دایره پژوهشهای شرق شناسی در این سرزمین‌ها گسترده‌تر شده است. زیرا تعداد دانشجویانی که برای ادامه تحصیل به کشورهای غربی رفته و پس از فارغ التحصیل شدن، به تدریس در دانشگاههای کشورهای متبوع خود می‌پردازند و از خلال آثار قلمی خویش که غالباً به زبان مادری است، در بحثهای مختلف علمی جهانی شرکت می‌کنند، بیشتر شده است، کما اینکه به برپایی کنفرانس‌های علمی در داخل دانشگاههایشان اقدام می‌کنند. مستشرقان غربی از این امکانات برای پژوهش‌های خود، غافل نبوده‌اند؛ از این رو اهمیت فراوانی به تماس‌های مختلف با دانشمندان و مؤسسه‌های علمی، در سرزمینهای شرقی قایل هستند. همچنین اهمیت زیاد سیاسی و اقتصادی شرق، باعث شد تا غرب، نسبت به ضرورت شناسایی شرق و مردم آن و زبان‌های رایج در آن، اهمیت بیشتری بدهد. تغییرات سیاسی و اقتصادی مستمر در خاور نزدیک، باعث طرح نقاط مختلفی در زمینه زبان و تاریخ این منطقه گشته است.

در ابتدا، این مسایل مورد توجه «کارل هاینریش بکر» (متوفی ۱۹۳۳م) که در گروه دوم دانشمندان اسلام شناس قرار دارد واقع شد. وی در خلال تحقیقات خویش، در زمینه مسایل دنیای معاصر اسلام و همچنین در سفرهای متعدد به شرق به اهمیت این پژوهشها پی برد.

«بکر»، مسئولیت مهمی در وزارت علوم و فنون وقت داشت (بین سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۰). او سعی بر آن داشت که پارامترهای موجود در شرق را در برنامه اصلاحی دانشگاهها قرار دهد.

محور اصلی و اساسی مرکز شرق شناسی آلمان در بیروت را، پژوهشهای اسلامی و تحقیقات در زمینه ادبیات و زبان عربی و سامی تشکیل می‌دهد. در ابتدا این سؤال پیش می‌آید که آیا پژوهش در این موارد، باید در پشت میز و در حالی که پژوهشگر در کتابخانه خویش نشسته است، صورت گیرد؟ (برخلاف پژوهشهای عملی مانند باستان شناسی و مردم شناسی) و اگر این گونه است، پس دیگر چه نیازی به ایجاد مرکزی معین، در خارج از آلمان برای این تحقیقات وجود دارد؟

پاسخ به این سؤال، ضرورت‌های ایجاد مرکز را روشن می‌سازد. در واقع، به وسیله این پژوهشها، نوری بر کتابخانه‌های آلمان تابیده شده و این گونه تحقیقات، احترام و تقدیر فراوانی را برای پژوهشگران به همراه داشته است.

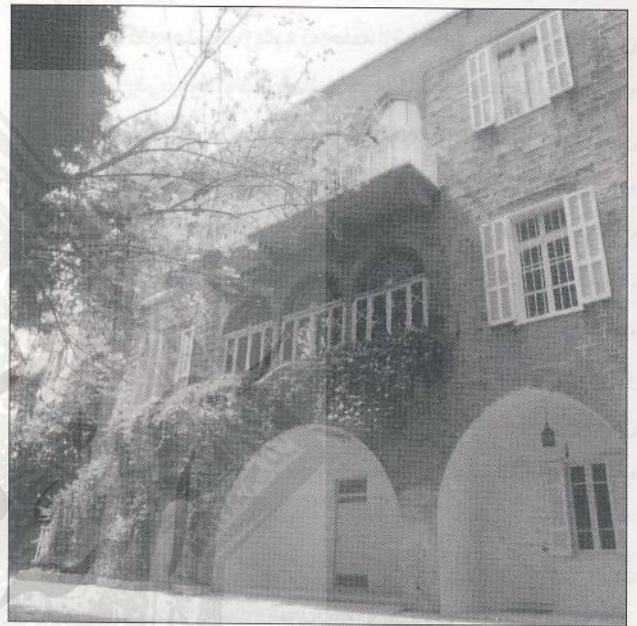
در سابق بیشترین قسمت کار تحقیق، در کتابخانه‌ها انجام می‌گرفت و تماس مستقیم (تحقیقات میدانی) با سرزمین‌های شرق، تا مدت زیادی جزو شروط اساسی تحقیقات شرق شناسان نبوده است. شرق شناس معروف، «یوهان یاکوب راسکه» (وفات ۱۷۷۴م) با اینکه در زبان عربی و ادبیات آن، ید طولائی داشت، در تمام زندگی اش به شرق سفر ننمود و یا «یولیوس فلهاوزن» (وفات ۱۹۱۸م) که در زمینه عرفان شرق اسلامی، تحقیقات وسیعی دارد، به مشرق زمین سفر نکرد. همچنین «تیودونولد» که پیش از وفاتش در سال ۱۹۳۰م، به مزاح می‌گفت: «الحمدلله که به یکی از آرزوهای خود که همانا رسیدن به استانبول بود، نرسیده است!» به جز ایشان، بسیاری از مستشرقان دیگری نیز بودند که در طول عمرشان، هرگز به هیچ کشوری در مشرق زمین سفر نکردند.

در آغاز قرن بیستم و بویژه هنگامی که شرق شناسان آلمانی، به گنجینه‌های نفیس و علوم گرانقدر سرزمین‌های شرق، پی بردند، اهمیت بیشتری برای این منطقه قائل شدند؛ از این رو در بررسی علوم

پیشنهادهای اصلاحی وی، در بردارنده نحوه پژوهشهای خارجی برای دانشگاههایی بود که وظیفه آنها ارائه ایده و طرحهای جدید برای تحقیقات ادبی و تاریخی است.

تشکیل هسته مرکزی شرق شناسی در آلمان

تحقیقات خارجی در خصوص شرق، از سال ۱۸۸۷م در انستیتوی زبانهای شرقی انجام می گیرد. این مرکز، مستقل بوده و دانشگاه برلین بر اداره آن نظارت دارد. اما به هیچ یک از دانشکده های این دانشگاه وابسته نیست. ادغام این مؤسسه با



دانشگاه برلین، اولین قدم برای همکاری های بعدی در این زمینه بود. اما این ادغام، بعدها با اعتراض شدید مدرسان این مرکز روبرو شد که در رأس ایشان، جرج کامفمایر (وفات ۱۹۳۶م) استاد زبان عربی قرار داشت که درخواست ایجاد یک دانشگاه مستقل، برای پژوهشهای خارجی را مطرح می کرد. اما «بکر» که در این زمینه، تجربه داشت و زمانی استاد «انستیتوی مستعمرات» در هامبورگ بود (پس از سال ۱۹۰۰م)، با این نظر مخالفت کرد و آن را غیرمنطقی دانست؛ از این رو وزارت علوم، در رسیدن به اهدافش ناکام ماند. ما قصد نداریم که در اینجا زبانهایی را که پژوهشهای اسلامی معاصر، به وسیله این شکست، متحمل شد برشماریم. به رغم اینکه آثار این شکست و ناکامی تا امروز باقی است و آنچه بیشتر موجب تأسف است حل نکردن این مشکل تاکنون می باشد. خصوصاً آنکه تحقیقات ما، امروز بیشتر از هر وقت دیگر بر روی

کشورهای اسلامی متمرکز است. البته «بکر» با ایجاد مرکز شرق شناسی آلمان در استانبول؛ با استفاده از رابطه های علمی با متفکرین جهان اسلام، در کار خویش موفقیت زیادی کسب کرد.

«هلموت رتر» از سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۹م، مدیریت مرکز شرق شناسان آلمانی در استانبول را بر عهده داشت. وی کتابخانه ای اسلامی را که دارای مجموعه ای از متون عربی و فارسی و ترکی است، در استانبول تأسیس نمود. طولی نکشید که این کتابخانه، به سبب توجه فراوانش به آثار خطی موجود در استانبول و رابطه عمیق با دانشمندان جهان اسلام، شهرتی جهانی پیدا کرد؛ از این رو «رتر» به منبع تمام نشدنی معلومات و اطلاعات، درباره شرق شناسی و آن هم نه فقط در مورد آثار خطی موجود در استانبول، بلکه در رابطه با منشورات و تحقیقات علمی در ترکیه و دیگر سرزمینهای اسلامی تبدیل گشت. دانشمندان از گوشه و کنار جهان با او مکاتبه نموده و از نظریات وی در زمینه پژوهشهای علمی بهره می جستند. برخی از آنها تا سال ۱۹۳۵م که وی هنوز به عنوان استاد دانشگاه استانبول، مشغول به کار نشده بود، به خانه وی رفته و از معلومات او به طور اختصاصی استفاده می کردند.

هنگامی که شرق شناسی، پس از جنگ جهانی دوم، دوباره در آلمان رونق گرفت، کاملاً روشن بود که نبودن «رتر» در استانبول؛ چقدر گران تمام شده است. برای پر کردن این خلأ؛ جمعیت شرق شناسان آلمان، به مؤسسه باستان شناسی که چند مرکز جدید ایجاد کرده بود، روی آوردند.

در بهار سال ۱۹۵۱م، توافقی مبنی بر همکاری مؤسسه باستان شناسی آلمان، جهت در اختیار گذاردن شعبه های آن مؤسسه و آماده کردن آنها به عنوان مرکزی، برای استقبال از مستشرقان مجاز، برای استفاده از این امکانات و باستان شناسانی که اضافه بر کار اصلی خود، به تحقیقات درباره شرق می پردازند، برقرار شد.

اولین مکان در استانبول و سپس در قاهره تعیین گردید و بعدها، شعبه هایی در تهران، بغداد و مادرید برقرار شد. این مستشرقان که حدود سی سال، با باستان شناسان همکاری علمی داشته اند، از تجربه این همکاری علمی مشترک، قدردانی فراوانی کردند.

نظر به اینکه قسمتهای مختلف باستان شناسی خارجی مؤسسه باستان شناسی آلمان، متناسب با احتیاجات علمی آن می باشد؛ برای بعضی از شعب علمی، قادر به ایجاد مراکز دائم نیست؛ از این رو این قسمتها، گاه به ناچار و برای مدت های مختلف، از پذیرفتن هر گونه مستشرقی معذور است.

از فعالیت‌های مهم این مرکز، طبع و نشر متون مهم می‌باشد. در اروپا تاکنون مجموعه وسیعی از آثار خطی بسیار مهم منتشر نشده، وجود ندارد. همچنین از دلایلی که حضور و وجود شرق‌شناسان آلمانی را در شرق توجیه می‌کند، توجه به بازارهای کتاب در شرق و بویژه منشورات مهم در زمینه‌های مختلف پژوهشی، از جمله پیشرفت‌های علمی روز شرق است. علاوه بر این، کسب معلومات در زمینه فعالیت‌های جدید ادبی و هنرهای زیبا در سرزمین‌های اسلامی و تحقیق و کشف مهم‌ترین این آثار از شرط‌های اساسی در تحقیقات اسلامی است که به عنوان یک هدف مهم، برای حضور شرق‌شناسان در سرزمین‌های اسلامی قابل طرح است.

محققان هنگام کار، در آکادمی شهر «ماینس» در مرکز مدیریت شرق‌شناسان آلمان، همیشه با مشکلاتی در خصوص عدم اطلاعات کافی مواجه بودند، بویژه هنگام عزیمت هیئت آلمانی به مؤسسه باستان‌شناسی آلمان در قاهره، در نیمه دوم دهه پنجاه، این کمبودها بیشتر احساس شد. بویژه پس از رونق گرفتن مجدد پژوهش‌های شرق‌شناسی در آلمان و وسعت یافتن دایره تحقیقات، این مشکلات بیشتر نمایان گشت و معلوم شد که دستیابی به اهداف مورد نظر، بدون وجود یک مرکز ویژه، برای تحقیق در زبان‌های تاریخی در کشورهای شرقی نزدیک به غرب، ممکن نیست.

مدیر جمعیت شرق‌شناسان آلمان در آن زمان، استاد دکتر «هانس فار»، در زمینه بحث و مشاوره فکری با نویسنده، جهت راه‌اندازی و ایجاد چنین مرکزی کمک شایانی نمود و هم او بود که پس از مذاکراتی موفق با مسئولین جمهوری فدرال آلمان درباره جلب مساعدت مالی دولت، نقش مؤثری را ایفا نمود. در نهایت، وزیر کشور آلمان غربی، به اهمیت علمی ایجاد یک مرکز، برای پژوهش‌های شرقی پی برده و نسبت به کمک مالی دولت وعده مساعد داد. «هانس روبرت رومر» پس از پایان کار، در بهار ۱۹۶۰م در قاهره و با مأموریت از طرف جمعیت شرق‌شناسان آلمان، برای پیدا کردن یک مکان مناسب جهت برپائی این مرکز، دست به شناسایی در کشورهای مختلف زد. وی نهایتاً بیروت، پایتخت لبنان را انتخاب نمود که مرکزی مهم، در جهان عرب بوده و دارای مردمی خونگرم و با فرهنگ و نیز، روابطی خوب با کشورهای دیگر است. همچنین بیروت، دارای کتابخانه‌های فراوان، دانشگاه‌های معتبر فعال و مراکز فرهنگی متعدد می‌باشد. به علاوه این شهر، دارای چاپخانه‌های مهم و مراکز نشر جراید مهم و معتبر دنیای عرب بوده و از این نظر، بسیار مورد توجه و اهمیت است.

در اواخر ژانویه ۱۹۶۱م، دولت آلمان، نسبت به صرف

هزینه‌های مالی موافقت نمود و مرکز آغاز به کار کرد. در اول ماه اوت، جمعیت عمومی شرق‌شناسان آلمان، نام مرکز را انتخاب و نظامنامه داخلی آن را تعیین کرد و اداره آن را به «روبرت رومر» واگذار نمود.

دست یافتن سریع به وسایل لازم جهت شروع کار، به گروه کوچک مرکز که برای شروع کار آماده بودند، امکان آغاز به کار و انجام وظایفی را که مرکز به خاطر آن تاسیس شده بود را داد. این گروه، مرکب از مدیر و یکی از دانشجویان بورسیه جمعیت، یک کارمند لبنانی، یک منشی و یک سرایدار بود که بعداً به این مجموعه، یک کارمند لبنانی دیگر، مسئول کتابخانه علمی و نیز یک دانشجوی دیگر بورسیه افزوده شدند.

استاد دکتر «هلموت ریتر» که حلقه ارتباط بین مرکز پژوهش‌های شرقی آلمان در بیروت و شعبه سابق در استانبول بود، هر از چندگاه، به بیروت سفر می‌کرد. وی درباره زبان طوری (الطورویه) که یکی از زبان‌های شرقی و منسوب به سرزمین «طور عبدین» است (این زبان، یکی از زبان‌های آرامی نوین می‌باشد)، تحقیق می‌کرد. در آن زمان، هزاران نفر از پناهندگان مقیم بیروت، به این زبان سخن می‌گفتند. البته این زبان در مقابل زبان عربی که به تدریج بر آن غلبه می‌یافت، تاب مقاومت نیاورد. این مرکز، اقدام به نشر نتایج آن تحقیق در چهار مجلد نمود و در همین راستا، تحقیق کاملی نیز، نسبت به لهجه‌های مختلف زبان عربی در لبنان و سوریه به عمل آورد که این تحقیق نیز، بعداً منتشر شد.

از اولین اهداف علمی مرکز، تهیه یک فرهنگ لغت آلمانی-عربی بود. این کار ابتدا در آلمان شروع شد و در سال ۱۹۷۴م تحت نظر جمعیت شرق‌شناسان آلمان، ثمره اولین پژوهش منتشر شد. همچنین نسبت به جمع‌آوری و نگهداری کتابهایی که چاپ شده و یا در حال چاپ بودند و «بروکلمان» در کتابش به نام تاریخ ادبیات عرب نامی از آنها، به میان نیاورده بود، اقدام لازم صورت گرفت و تا پایان سال ۱۹۶۲م، نزدیک به هزار کتاب، جمع‌آوری شد و پس از انتشار کتاب تاریخ الادب العربی متعلق به «فؤاد سزگین» (در سال ۱۹۶۷م)، دیگر دلیلی برای ادامه این کار دیده نشد. همچنین در همان وقت، نسبت به جمع‌آوری مجموعه‌ای از کتاب‌های علمی و ادبی در لبنان و سوریه، اقدام لازم صورت گرفت و اسامی این کتب در مجله جمعیت شرق‌شناسان آلمان، در سه نوبت، در سال‌های ۱۹۶۲، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۰م انتشار یافت.

به تجربه ثابت شده است که «اهمیت مؤسسه‌های علمی، با کمیت و کیفیت مواد منتشر شده آن مرکز، سنجیده می‌شود.» از این رو مرکز شرق‌شناسی آلمان، در وضعیتی بوده و هست که همگان به

آن رشک می‌ورزند، چرا که از ابتدای تأسیس، با کتابخانه‌ای اسلامی که «رتر» آن را در استانبول تأسیس نمود، در ارتباط بود و بر آن نظارت داشت. همچنین مرکز، نسبت به انتشار تعداد هر چه بیشتر، یا چاپ دوباره کتابهایی که کمیاب یا نایاب شده بودند، اقدام نموده است. مثلاً انتشار جلد‌های بعدی کتاب الوافی بالوفیات، (= معجم السیر والاعلام) صدفی که تا آن زمان، چهار جلد آن چاپ شده بود، دنبال شد (این کتاب، دارای سی جزء است و تاریخ آن به قرن چهاردهم میلادی می‌رسد). مرکز با کمک کارمندان، دوستان و دانشمندان مختلف در شرق و غرب، کار چاپ این کتاب را برعهده گرفت.

در کنار کتابخانه اسلامی، مجموعه دیگری از کتابها، چاپ و منتشر شد که این مجموعه به متون و پژوهشهای بیروتی معروف بوده و گویای فعالیت‌های کارمندان مرکز و علاقمندان آن است. به زودی شرق شناسان آلمان متوجه فعالیت‌های وسیع مرکز و امکانات گسترده‌ای را که در زمینه شرق شناسی فراهم کرده است، شدند و راه برای مبتدیان شرق شناس، باز شده و با دست یافتن به بوریسیه تحصیلی در این مرکز، فرصت ادامه تحصیلشان را پیدا کردند تا از نزدیک و گاه برای اولین بار، با شرق پر از شور و نشاط، زندگی و همچنین با مشکلات آن آشنا شوند. این مرکز به درخواست دیگر مراکز، اقدام به نظارت بر کار چاپ منشورات صادره به زبانهای شرقی کرد و نیز، با توجه به وجود میهمانسرای مناسب، برای میهمانان در مرکز، دانش پژوهان شرق شناس، ضمن برنامه‌های علمی خویش، از مرکز به عنوان اقامتگاه نیز، استفاده می‌کنند. در ماههای گرم تابستان و با بالا رفتن رطوبت هوا در بیروت، کار کردن مشکل خواهد شد و عده زیادی از ساکنان آن، به مناطق کوهستانی که دارای هوایی معتدل است، می‌روند. مرکز نیز، اقدام به این کار نمود؛ از این رو خانه‌های تابستانی و وسیع، در روستای «عیناب» که فاصله آن از بیروت یک ساعت است، خریداری کرد. با وسعت یافتن محدوده فعالیت‌های مرکز و از دیداد مراجعه کنندگان به آن و همچنین با توجه به فراوانی کتاب در کتابخانه‌های آن، روشن شد که سالنهای مرکز برای انجام این کارها کافی نیست؛ از این رو پس از جستجو، خانه‌ای قدیمی که با معماری خاص لبنان بنا شده بود، در نزدیکی مرکز بیروت انتخاب شد؛ این خانه با احتیاجات مرکز تناسب کامل داشت. استاد «فار» مدیر جمعیت شرق شناسان آلمان، از مؤسسه «فریتس تیسن» کمک لازم را برای خریداری ساختمان و بازسازی آن دریافت نمود.

در ملاقاتی که در آوریل سال ۱۹۶۰م، در وزارت تعلیم و تربیت لبنان انجام شد، مدیر کل وقت، «فؤاد صویبا» ضمن صحبت درباره

اهداف جمعیت شرق شناسان آلمان گفت: «وجود مرکز پژوهشهای شرقی آلمان در بیروت، مورد تشویق و تأیید می‌باشد؛ زیرا این مرکز به مثابه تکمیل مؤسسات علمی در لبنان است.» در حقیقت مرکز شرق شناسی آلمان در بیروت، نه فقط به خاطر ارتباط و همکاری وسیع آن با حرکت فرهنگی و فکری در لبنان، بلکه به خاطر همکاری با مؤسسات علمی خارجی، مانند: دانشگاه سنت یوزف (قدیس یوسف) و دانشگاه آمریکائی بیروت، مورد ترغیب و تشویق واقع شد. دانشمندان در بیروت، همکاران آلمانی‌شان را با آغوش باز استقبال نموده و با ایشان همکاری می‌نمودند. این مسئله تا امروز در جهت تحقق بخشیدن به اهداف مرکز، کمک شایانی نموده است.

اهمیت بیروت برای مرکز تحقیقات آلمان

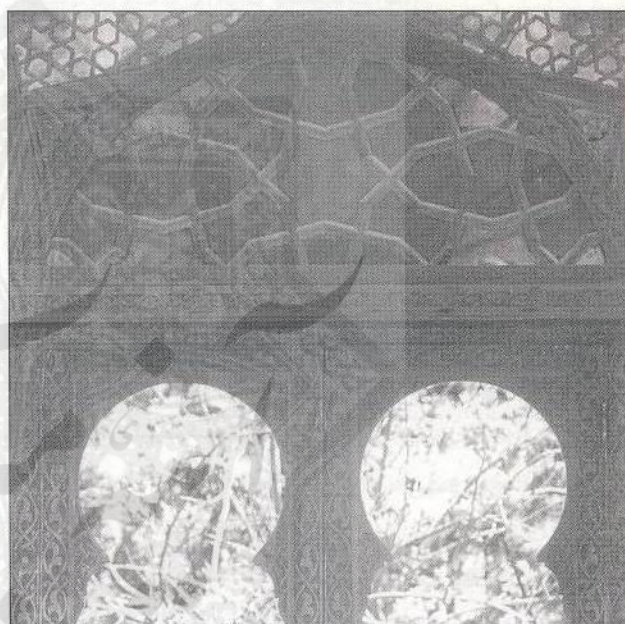
طایفه‌های دینی و قومی مختلف که برخی از آنها از کمکهای خارجی برخوردار هستند، در بیروت گرد آمده‌اند. همچنین تعداد بسیاری از سیاستمداران تبعیدی عرب، در لبنان ساکن شده و آن را وطن دوم خود می‌دانند. این کشور کوچک توانسته تا حدودی از بحرانهای فکری جهانی متعلق به خاور نزدیک، به دور مانده و تا حدود زیادی از آزادی اندیشه برخوردار باشد. مسئله مورد تأکید سیاستمداران لبنانی، آزادی و روابط دوستانه با جهان، از طریق برقراری تعادل بین غربگرایی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از یک طرف و وابستگی ذاتی به جهان عرب، از طرف دیگر است؛ بویژه آنکه لبنان، حلقه اتصال بین شرق و غرب عالم است.

بیروت در رابطه با فعالیت‌های مرکز، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که پایتخت کشوری تاریخی بوده و چهار دانشگاه بسیار مهم، در آن وجود دارد. در بیروت می‌توان با مهمترین مذاهب فکری، ادبی و پیشرفتهای فکری در خاور نزدیک آشنا شد. همچنین در این شهر، کار چاپ و نشر مهمترین کتابها، مجله‌ها و روزنامه‌های جهان عرب، انجام می‌شود. در سایه این شرایط، مرکز شرق شناسی آلمان، از آغاز تأسیس، انجام کارهای زیادی را برعهده گرفت که مهمترین آنها، در سه محور خلاصه می‌شود:

۱. تشویق نسل جدید مستشرقانی که به پژوهشهای عربی-سامی و اسلامی مشغول هستند.
۲. ایجاد رابطه با دانشمندان و پژوهشگران در جهان عرب.
۳. اقدام به پژوهشهای مختلف در زمینه ادبیات عرب و مسایل مربوط به اسلام و انتشار آنها.

اهداف مرکز تحقیقات آلمان در حمایت از شرق شناسان جوان

- به طور خلاصه، این اهداف در محورهای زیر قابل بخش است:
۱. سرویس دهی به دانشجویان دکترا، در خصوص ادبیات عرب و زبان سامی.
 ۲. سرویس دهی به دانشجویان دکترا، در خصوص پژوهشهای اسلامی.
 ۳. فراهم آوردن زمینه فراگیری زبان عربی با لهجه محلی برای شرق شناسان جوان.
 ۴. فراهم آوردن امکانات، برای دیدار این شرق شناسان از آثار قدیمی و کهن.
 ۵. فراهم آوردن امکانات سفر آنان به دمشق، قاهره، بغداد و کلیه پایتختهای خلفای قدیم.



از خلال این سفرها و همچنین بر خورد مستقیم روزمره با مردم، شرق شناس می تواند از نزدیک، با واقعیت‌های مربوط به تاریخ اسلام و خاور نزدیک آشنا شود. بویژه اینکه تا امروز، آثار تاریخی، مانند: شهرهای قدیمی ویران شده در شمال سوریه و معبد‌های سامی قدیم و همچنین مسجد اموی در دمشق و یا حتی اعراب صحرائین در سوریه هنوز وجود دارند. در ضمن، دانشجوی بوریسیه با بازار و شکل‌های مختلف آن و همچنین با طرق مختلف آبیاری زمین‌های کشاورزی آشنا می شود!

از این جا روشن می شود که رابطه مرکز با دانشجویان بوریسیه، رابطه‌ای دو جانبه است.

از طرفی، صاحبان بوریسیه، باید مرکز را در زمینه ویرایش مکتوبات، تحقیقات، کاوش در کتابهای علمی، همچنین در نوارهای

میکروفیلم و از این قبیل کارها یاری نمایند و از سوی دیگر، مرکز، فرصت کافی برای آشنا شدن با خاور نزدیک را، برای ایشان فراهم نماید؛ از این رو سفرهای علمی-تحقیقی را، در لیبی، یمن و خلیج فارس، برای ایشان ترتیب می دهد. مرکز به صاحبان بوریسیه، فرصت آشنایی با بیشترین رقم ممکن از دانشمندان شرق را داده و از ایشان می خواهد با رهبران مذاهب مختلف، مفتیان، شیوخ، سیاستمداران، همچنین با اعراب بادیه نشین و کشاورزان آشنا شده و با آنان ملاقات‌های گوناگون داشته باشند. شکی نیست که مرکز در زمینه موفقیت این کار، تضمین نمی دهد؛ بلکه صرفاً فرصت و امکانات ارتباط مطلوب را به دانشجو می دهد؛ اما میزان موفقیت در این کار، بستگی به خود شخص دارد.

دلیل اصلی اقدام به ارتباطی این چنین، آن است که:

۱. مستشرق، دیگر قادر به تهازل و نادیده گرفتن کتابهای دانشمندان معاصر محلی، در کشور مورد تحقیق و همچنین منشورات و تحقیقات تاریخی، ادبی و کاوشهای آنها در این زمینه‌ها بویژه در زمینه دانش مردم شناسی و لهجه‌های مختلف نیست.

۲. اهتمام ویژه مرکز، نسبت به پیشرفت‌های جدید در خاور نزدیک.

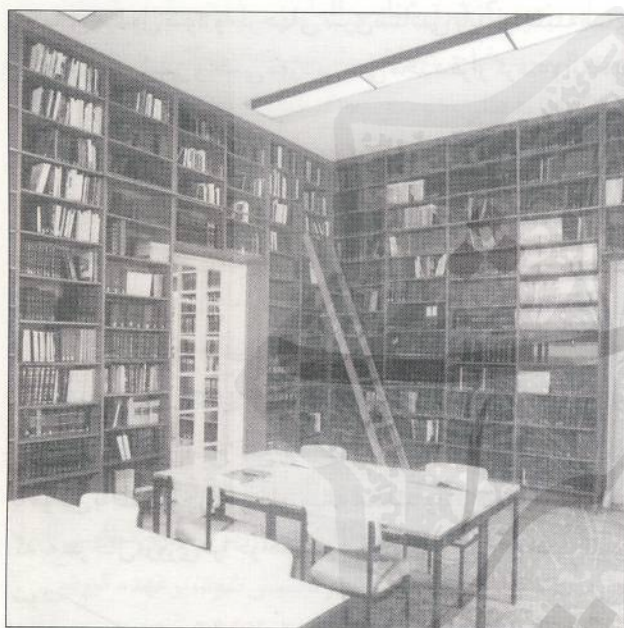
۳. اهمیت سیاسی و اجتماعی بیروت به عنوان تنها مکانی که شخص می تواند با معتقدین به قومیت‌گرایی عربی و گروه‌های مختلف حزبی به طور مستقیم، بحث و گفتگو کند. مسئله فقط در وجود متفکرین خطوط سیاسی، اجتماعی

مختلف، مانند: بنیادگرایان اسلامی یا مارکسیست‌ها و پیروان مکتب‌های مختلف فکری خلاصه نمی شود. چرا که این متفکران، آمادگی خود را برای گفتگو و تبادل نظر، به صورت عمومی، اعلام می کنند و این گفتگوها، حتی برای پژوهش‌گران در مسایل قدیم اسلام نیز، بسیار مفید است. اینکه شخصی با مفتی طایفه سنی، یا رئیس طایفه شیعه، یا یکی از متصوفان مسلمان (که تعداد آنها در بیروت کم نیست)، به گفتگو پردازد، برابر با یک فصل کامل درسی است که محقق، در یکی از کتابخانه‌های مراکز شرق شناسی آلمان سپری می کند.

از مهمترین نتایج این ملاقاتها، همکاری در دعوت از مستشرقان آلمانی، برای دیدار از دانشگاه‌های لبنان و در مقابل، انتخاب تعدادی از دانشجویان و تهیه مقدمات لازم، برای اعزام آنها به آلمان، برای تحصیل است؛ اما وظیفه دیگر مرکز، اقدام به تحقیقات مستقل و انتشار آنهاست. با در نظر گرفتن کثرت مجله‌های تخصصی، روشن

و اما پاسخ به سؤال دوم، دارای اهمیت فراوانی، نه فقط برای مرکز، بلکه برای کلیه ساختار شرق شناسی آلمان است. با این حال باید گفت بررسی‌های کاملی بر روی لهجه‌های زبان عربی انجام شده و این تحقیقات، در دو جلد، از سلسله متن‌ها و پژوهش‌های بیروتی چاپ شده است. همچنین کتاب مهم دیگری را، مرکز به طور مستقل، در سه جلد، به چاپ رسانده و موضوع آن، زبان آرامی جدید در میان مسیحیان در «طور عبدین» می‌باشد.

در اینجا لازم است به مسئله مهمی اشاره کرد و آن اینکه به طور کلی، ملتهای شرقی، نسبت به دانشمندان غربی با دید مثبت نمی‌نگرند، مگر آنکه تمام توجه و فعالیت وی، محدود به کتابهای کلاسیک اسلامی و تاریخی شود، یا به شعر عربی و یا تاریخ عباسی



بپردازد، اما اگر به کاوش در موضوعات غیرعادی، مانند لهجه‌های جدید پرداخت، در بهترین حالتها، با لبخند و در بدترین حالتها با مشکلات فراوانی، مواجه خواهد شد؛ چرا که مورد شک و تردید قرار گرفته و از نظر مردم، به پنهان کاریهای سیاسی متهم می‌شود.

اقدام به تحقیقات آزاد، در زمینه مسایل جدید؛ یعنی برنامه‌هایی که به طور مستقیم، با برنامه‌های مجاز از طرف دولت ارتباطی ندارد، دخالت در امور داخلی کشور، محسوب شده و خوشایند نیست. البته این در حالی است که این کار، جاسوسی نامیده نشود. کشورهای جهان سوم به دلایل کاملاً روشن، دوست ندارند مورد توجه همگان قرار بگیرند، چرا که این کشورها به دنبال حل کردن مشکلات داخلی خویش هستند.

آنچه در مورد یک فرد پژوهشگر، یا مجموعه‌ای از محققان، صادق

شد که نیاز به انتشار نشریه جدیدی نیست؛ از این رو نشر تحقیقات در مجله‌های موجود، صورت می‌گیرد؛ مگر اینکه حجم این تحقیقات در حد یک کتاب باشد که در این صورت، این تحقیقات، در سلسله انتشارات معروف مرکز، به نام نصوص و دراسات بیروتیه یا متن‌ها و تحقیقات بیروتی چاپ می‌شود. اضافه بر آن، مرکز، امکانات زیادی را صرف نظارت بر کتابهایی که برای کتابخانه اسلامی در بیروت چاپ می‌شود، می‌نماید.

از بدو تأسیس مرکز، فعالیت‌های علمی آن، خالی از پیچیدگی و مشکلات نبوده است و این فعالیتها، از آن زمان تا امروز، از طرف مستشرقان آلمانی و نیز، فعالان در زمینه مسایل شرق و برخی از مراکز وابسته به جهان عرب، مورد نقد قرار گرفته است.

پاسخ به سه سؤال اساسی پیرامون فعالیت‌های مرکز شرق شناسی آلمان در بیروت

۱. دیدگاه‌های علمی مرکز شرق شناسی آلمان در بیروت چیست؟

۲. دایره فعالیت مرکز در حوزه شرق معاصر تا چه حدی است؟

۳. آیا فعالیت مرکز، جنبه‌های سیاسی را نیز، در برمی‌گیرد؟ مقصود از دیدگاه علمی در اینجا، این نیست که خط مشی مرکز، در فعالیت‌های علمی اش چگونه است و آیا به طور کلی خط‌مشی وجود دارد یا خیر؟

در باره سؤال اول، باید گفت که فعالیت‌های علمی مرکز، تابع قوانین خاصی نیست، زیرا وابسته به هیچ قید دست و پاگیری نمی‌باشد. این فعالیتها، بستگی به کار شخص محقق دارد. واقعیت آن است که مرکز از جهت علمی، تکیه بر خلاقیت‌های فردی و بویژه دانشجویان و دانشمندان موجود در آن دارد. میهمانان مرکز، از گذشته تا حال، از صاحبان بورسیه و دانشمندان مختلف، در زمینه تاریخ، لهجه‌ها و آداب - که این مواد را خود انتخاب کرده‌اند - بوده‌اند؛ از این رو می‌بینیم که این مرکز، با سایر مراکز شرق شناسی در آلمان، تفاوتی ندارد و همان وضعیت، در اینجا نیز، وجود دارد.

این تنوع در روش‌ها و موضوعات، پیچیدگی فراوانی را در زمینه پژوهش‌های شرقی و شرایط بررسی و تحقیق به وجود می‌آورد. همچنین انتخاب داوطلبان بورسیه، برای یک هدف معین و سوق دادن ایشان برای کار در جهت آن هدف، کاری غیر ممکن می‌گردد. ناگفته نماند معیارهای کلی که موضوعات علمی، در تحقیقات اسلامی یا ادبیات عربی و سامی با آن قابل سنجش باشد، وجود ندارد.

این زمینه ندارند، باعث کاستن از حساسیت آنها و بویژه روزنامه‌های آلمان که غالباً با عربها خصومت می‌ورزند، خواهند شد.

اهتمام به تشکیل کتابخانه تخصصی

مرکز شرق‌شناسی آلمان، از بدو تأسیس، سعی در توسعه امکانات و تجهیزات اساسی داشته و دارد. درباره کتابخانه، بیشترین توجه آن به انتخاب کتابهای مختلف، از کشورهای شرق و غرب و منظم کردن آنها بوده است؛ از این رو متون عربی، مهمترین بخش کار را تشکیل می‌دهند. البته مرکز سعی در دستیابی به کتابهایی در ارتباط با یک موضوع خاص را دارد و سپس این کتابها را با یکدیگر می‌سجد. خوشبختانه بازار کتاب لبنان در این مورد، بسیار غنی است. اگر چه این منابع رو به کاهش نهاده و از سویی قیمت‌ها گرانتر شده؛ اما تعداد زیادی از چاپهای قدیمی این کتابها که بخش قابل



توجهی از آنها مربوط به کتابهای فقه اسلامی است، خریداری شده است؛ زیرا کتابهای فقهی، کمک زیادی به شناخت روش‌های تفکر و تاریخ اجتماعی در شرق می‌نماید!

امروزه امکان دست یافتن به کتابها و مجلات و روزنامه‌های محلی که تاریخ نشر آنها به قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم می‌رسد وجود دارد و این کار، دارای اهمیت فرهنگی زیادی برای شناخت تغییرات مختلف، در زمان ما می‌باشد و ثانیاً فراوانی کتابها و مجلات چاپ شده، فرصت انتخاب دقیق آنها را نیز، به دست می‌دهد.

در کنار کارهای کتابخانه، مرکز به جمع‌آوری تعداد زیادی از روزنامه‌های یومیه، می‌پردازد تا به بیشترین حد ممکن از مجلات و

است، درباره مرکز آلمان نیز، مصداق دارد؛ زیرا بدون هماهنگی مستمر و دائم با مسئولین کشوری، قادر به فعالیت نخواهد بود. با توجه به زیربنای اقتصادی و اجتماعی، از جهتی نمی‌توان گفت لبنان، یکی از کشورهای جهان سوم است، اما با این حال، این مشکلات در بیروت نیز، وجود دارد.

بررسی تمام این موارد، به این نتیجه می‌انجامد که: «فعالیت‌های تحقیقی در مرکز شرق‌شناسی آلمان که مقید به پرداختن به مشکلات و مسایل معاصر باشد، غیرممکن است.» تمامی این دلایل، بر این نکته دلالت دارند که پروژه‌های علمی که به موضوعات معاصر می‌پردازند، همیشه با مشکلات بسیار فراوان همراه می‌شوند و از طرفی، باید توجه بیشتری، به کاوشهای علمی زمان معاصر، نسبت به سابق مبذول شود و طرحهای شرق‌شناسی باید از جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و علمی مورد بررسی مجدد قرار گرفته و آنگاه به مرحله اجرا در آیند.

اما در مورد سؤال سوم، یعنی فعالیت‌های سیاسی مرکز، که در سالهای اخیر و در ضمن حوادث، اهمیت بیشتری پیدا کرده است، مناسب است سخنان استاد «فیلد» در پاسخ یکی از روشنفکران جوان عرب را، در سال ۱۹۷۰م بیاوریم. این روشنفکر جوان عرب، از مرکز دیدار نمود و از خط‌مشی سیاسی آن سؤال کرد و هنگامی که به او پاسخ داده شد که خط‌مشی سیاسی، در مرکز موجود ندارد، به تندی گفت: «این پاسخ قانع کننده نیست؛ چرا که کارمندان مرکز، یا موافق با ظلم موجود در خاور میانه هستند و یا از مخالفان آن؛ چرا که به هر حال، روزی فرا خواهد رسید که مرکز، مجبور به جبهه‌گیری شود.

اما حقیقت این است که اگر کسی جبهه‌گیری نماید، بازنده است و روشن است که مرکز، نه تنها مجبور نیست، بلکه حق ندارد جبهه‌گیری سیاسی این چنین، در لبنان داشته باشد؛ چون این گونه امور، جزو دایره فعالیت مرکز نیست و کارمندان آن و کسانی که حق جبهه‌گیری سیاسی را دارند، مجبورند رعایت شرایط مرکز را بنمایند و احتیاط کنند که نظرات سیاسی آنها، جنبه رسمی به خود نگیرد. این گونه موضع‌گیری‌ها، برخی هنگام، دخالت در امور داخلی کشور مورد نظر، تلقی می‌شود و هرگز مورد قبول نخواهد بود و هر گونه اقدام سیاسی از سوی مرکز، بدون شک به تعطیلی آن از طرف مسئولین دولتی لبنان، منجر خواهد شد.

البته این بدان معنا نیست که کارمندان مرکز، پس از مراجعت به آلمان، حق اظهار نظر سیاسی را ندارند؛ زیرا آنها با در اختیار گذاشتن معلومات صحیح، برای مردم که غالباً آگاهی چندانی در

کتابهای دوره ای کشورهای عربی دسترسی باید. کتابخانه هفتصد مجله و کتاب دوره ای کشورهای عربی را در خود جای داده است که از این مجموعه؛ ۳۶۵ عنوان، به زبانهای اروپایی و ۳۳۵ عنوان، به زبان عربی می باشد. بخشی نیز، شامل نوارهای میکروفیلم، از کتابهای خطی عربی و نقشه هاست. اضافه بر این، قسمت خاصی برای محفوظات متعلق به تاریخ معاصر که شامل گزارشات و مقاله های برگرفته شده از روزنامه ها و مجلات است، در حال ایجاد می باشد. در ضمن، اعلامیه های صادره از طرف وزارتخانه ها، احزاب و یا سازمانهای مختلف و همچنین سخنرانیها و گزارشهای کنفرانسهای مختلف نیز، در این قسمت گردآوری می شوند.

مرکز، به دو پروژه دیگر، به نامهای: «فرهنگ لغت عربی-آلمانی» و «سلسله نویسندگان معاصر عرب» که دانشمندان خارج از مرکز، به تألیف آنها می پردازند، کمک می نماید.

از دیاد سریع کتابها و مجلات دوره ای، توسعه دادن به فضای کتابخانه را، امری ضروری نمود؛ از این رو در نوامبر سال ۱۹۷۳ م، مکان لازم برای مجلات و روزنامه ها، برای مدت ده سال آینده، فراهم گردید.

فعالیت های جدید مرکز

چون مرکز، محل تبادل اندیشه دانشمندان عرب و شرق و همچنین، پایگاهی برای دانشمندان پژوهشگر خاورمیانه است؛ از این رو فعالیت آن گسترش زیادی یافت و از بدو انتقال آن، به ساختمان جدید، نسبت به تنظیم سخنرانیها و بحثهای فکری، علمی و کنفرانسهای کوچک، در رابطه با موضوعات مختلف مربوط به شرق شناسی اقدام نمود. با توسعه یافتن ساختمان، اتاقهای پذیرایی بیشتری برای میهمانان، در نظر گرفته شد و امکان استقبال از تعداد بی شماری از دانشمندان آلمانی و یا کشورهای دیگر و یا گروههایی که دست به سفرهای پژوهشی می زنند، برای مدت های مختلف فراهم شد.

به جز دانشمندان آلمانی و کشورهای دیگر، تعداد زیادی از افراد

مختلف، برای استفاده از کتابخانه، یا گرفتن اطلاعات و یا فقط به خاطر علاقه به فعالیت های مرکز، به آنجا مراجعه می کنند، از جمله می توان از دانشمندان باستان شناسی، جامعه شناسی، جغرافیا و تاریخ نام برد. ضمناً به این دسته، عده ای از سیاستمداران، دیپلماتها و خبرنگاران نیز، باید افزوده گردد.

در اول آوریل سال ۱۹۶۴ م، وزیر پژوهشهای علمی آلمان، «هانس لینس» و در نیمه دوم اکتبر همان سال «هرمان هوشرد» وزیر کشور آلمان، از مرکز دیدار کردند. این مرکز، در طول سال ۱۹۶۸، تعدادی از اعضای مجلس آلمان را نیز، مورد استقبال قرار داده است.

موقعیت شعب مرکز در کشورهای شرقی

امروزه، مرکز شرق شناسی آلمان در بیروت، یک مرکز علمی، در شرق است. در اواخر دهه شصت، شعبه های دیگری در هند تأسیس شد که بنا به عللی، دو سال بعد تعطیل گردید.

در ژوئیه ۱۹۶۷ م، معاهده ای بین مرکز بیروت و مرکز پژوهشهای آسیایی، در حیدرآباد، به امضا رسید که به موجب آن، شعبه جدیدی از مرکز، در حیدرآباد تأسیس گردید. این شعبه در ۱۹ اکتبر همان سال، با حضور نماینده دولت محلی ایالت آندراپرادش افتتاح شد. وظیفه این شعبه که دکتر «هانس کروزی» ریاست افتخاری آن را، به عهده گرفت، در درجه اول، کاوش در محورهای تحقیقات اسلامی در هند بود، لیکن پس از یک سال، این شعبه موقتاً بسته شد و پس از عزیمت دکتر «هانس کروزی» در تابستان ۱۹۶۹ م، مقرر گشت که این شعبه بازگشایی نشده و وظایف آن را، مرکز شرق شناسی آلمان در هند که قرار بود در همان شهر تأسیس شود، برعهده گیرد.

باید یادآوری کرد که در همان سال ۱۹۶۷ م، شعبه حیدرآباد به گنجینه ای گرانبها دست یافت. این گنجینه، اهدای کتابخانه مرحوم «نظام الدین» (صاحب دایرة المعارف) به مرکز بود. این کتابها که ثروت گرانبهایی در خصوص اسلام در ایران و هندوستان است، در سالن ویژه ای که به نام اهدا کننده، نامگذاری شده، نگاه داری می شود.

(این گزارش توسط رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بیروت تهیه شده است.)

MirasMaktoob@apadana.com